

بررسی تطبیقی مفهوم ستر و ساتر در سه باب فقهی صلاه، حج و نکاح

جاسم بوعذار^۱

^۱ کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی

چکیده

از موضوعات بسیار مهمی که در فقه مورد بررسی قرار گرفته و در سه باب جداگانه (صلاه، حج و نکاح) بحث شده است، مفهوم ستر و ساتر بوده که بنا به حالت در نماز بودن و غیر آن در نظر گرفته شده است. در حالت نماز، مذهب امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت اتفاق نظر دارند بر اینکه ساتری که در نماز پوشیده می شود، در غیر نماز پوشیدن آن جایز بوده است ولی درباره مقدار زائدی که پوشیدن آن در حال نماز واجب و در غیر نماز واجب نمی باشد، اختلاف نظر دارند. در باب حج، همه مذاهب اتفاق دارند که پوشیدن ازار و رداء برای محرم واجب می باشد ولی مذاهب شافعی و حنبلی، به جهت قائل شدن به جواز پوشیدن سر برای مرد و مذهب حنفی به جواز پوشیدن قفازین برای زن، با دیگر مذاهب اختلاف نظر دارند. در باب نکاح نیز، مذاهب امامیه و اهل سنت، اتفاق دارند که مرد جهت خواستگاری می تواند به وجه و کفین زن بنگرد. با این تفاوت که مورد اختلاف در خصوص مقدار زائدی که پوشاندن آن در حال نماز واجب بوده بنا به حالتی است که ناظر (مرد) به منظور (زن) نگاه کند ولی درباره مقدار زائد در ابواب حج و نکاح که پوشاندنش واجب نبوده و نگاه به آن اشکالی ندارد، به نظر می رسد به جهت حرمت پوشاندن صورت و دفع عسر و حرج برای طرف منظور (زن) و رفع غرر برای طرف ناظر (مرد) باشد.

واژه‌های کلیدی: ستر و ساتر، فقه تطبیقی، حالت نماز و غیر نماز، وجه اتفاق و اختلاف.

(۱) مقدمه

مسأله پوشش و ساتر را غالباً، فقها در دو جا مطرح می کنند؛ یکی در حال نماز که با اختصاص دادن فصلی تحت عنوان ستر و ساتر احکام آن را برای زن و مرد مطرح می سازند. آن گونه که از نظرات فقها مستفاد می شود - چه ناظری باشد که مثلاً به زن در حال نماز نگاه کند و چه نباشد - در هر صورت بر زن واجب است بدن خود را پوشیده دارد. درباره مرد نیز، بیشترین تأکیدی که وارد شده در خصوص ستر عورتین بوده و غیر آن چنان چه زن نامحرمی به مواضع مکشوف نگاه کند پوشاندن آن واجب است که در هر صورت، لزوم ستر بدن را می رساند. دیگر در حال غیر نماز می باشد که فقها غالباً در دو باب حج و نکاح مطالبی را در فروع باب مورد بحث قرار می دهند؛ مثلاً برای زن در هنگام ادای مناسک حج، چه مقدار پوشیدگی در صورت مواجهه نامحرم واجب است و یا مردی که قصد ازدواج دارد تا چه حد می تواند به زن مورد نظر نگاه بیندازد. در مذاهب اربعه (شافعیه، مالکیه، حنفیه و حنابلّه) در حالت نماز با اختلافی در اقوال در اینکه زن وجه و کفین خود را می تواند مکشوف نگه دارد با مذهب امامیه وجه اتفاق هست ولی حدود پوشیدگی در حالت غیر نماز چه مقدار باید باشد و آن حدی را که لازم نیست بپوشاند چیست، محل اختلاف و بحث میباشد. موضع اختلاف، بخاطر عدم تمییز صحیح و ارزیابی معیارهای شرعی در باب کیفیت ساتر در حال نماز و غیر آن می باشد. این مسأله که عدم تمییز و تبیین دقیق معیارهای شرعی، ممکن است ایجاد شبهه و گمراهی، بخصوص در پوشش زنان و مردان جوان و عدم فرق قائل شدن برای ساتر در حالت نماز و غیر آن نماید، محل تأمل است؛ چرا که هریک از مواضع اختلافی از نظر لزوم ستر و یا جواز کشف، منجر به ایجاد تردید در حدود معین شده شرعی می شود. بنابراین، بایسته و شایسته است که نظر متفق علیه مذهب امامیه در این بین، محل بررسی قرار داده شود. در تحقیق کنونی، با عنایت به این مسأله مهم و اساسی، از لابلای منابع معتبر فقهی، به گردآوری معلومات سودمندی، مضاف بر تحلیل دیدگاه های آنها، همت گمارده و به وجوه مبهم آنها توسط ادله فقهی پاسخ داده شود؛ چون که هر ساتری که در حال نماز زن و مرد می پوشند، با آن پوششی که در هنگام خروج از منزل بر تن می کنند، فرق کرده و عکس این قضیه، اهمیت افزون تری پیدا می کند؛ پوششی که زن و مرد به وقت ورود به منزل خود بر تن کرده با آن حالت در نماز بودن، یکی نیست و در این نکته است که مقدماتی مانند طهارت، عدم غصبی بودن لباس، عدم وجود نخ دوخته شده از پوست حیوان تذکیه نشده در ساتر و ... در حالت نماز اهمیت پیدا می کند. در ادامه، به مفهوم شناسی مسأله حاضر پرداخته و آنگاه، به موضوعات و دیدگاه های مذهب امامیه و مذاهب اربعه با تمرکز بر سه باب صلاه، حج و نکاح به تحلیل اقوال و احکام پرداخته می شود.

(۱-۱) مفهوم لغوی و اصطلاحی ستر و ساتر

راغب در مفردات گوید «الستر تغطیه الشی و الستر و الستره ما یستر به» (راغب اصفهانی، ۱۲۸۸ق، ص ۳۹۶) یعنی پوشاندن چیزی را ساتر گویند و ستر و ستره به معنای آن چیزی که بوسیله آن پوشانده می شود و ستر سراسر بدن و عورت انسان کند، بکار رفته است. ولی در اصطلاح، ساتر پوششی می باشد که از طریق پشت پرده واقع شدن قرار میگیرد. به همین دلیل معادل دقیق اصطلاح پوشش در زبان عربی، واژه ساتر گفته شده که به همین سبب، فقها در پوشش نمازگزار و شخص محرم از همین تعبیر استعمال می کنند (کلانتری، ۱۳۸۳، ص ۱۳) که گاهی نیز واژه حجاب با همین معنا لحاظ می شود؛ کلمه حجاب از حَجَب اخذ شده به معنای مانع یا حاجب. راغب در مفردات گوید «فی الرأس لکونهما کالحاجبین للعین فی الذبّ عنهما» (راغب اصفهانی، ۱۲۸۸ق، ص ۲۲۰). یعنی حاجب در سر به منزله مانعی برای چشم بوده که حد نظر کردن را کنترل می کند. ابن منظور نیز گوید «الحجاب: الستر و امرأه محجوبه: قد سترت بستر» (ابن منظور، ۱۳۷۶ ق، ص ۲۹۸) یعنی، زنی که حجاب دارد، با آن نیز شناخته می شود. مثلاً در کتاب الصلاه، خصوصاً بجای اینکه بگویند شرائط الحجاب و الحائل فی الصلاه، می

گویند شرائط السّاتر فی الصلاه ولی با این همه حال واژه ساتر هم از نظر لغوی و هم مناسبت داشتن آن با عبادت عظیمی مثل نماز، به نظر می رسد قول اقرب به صواب باشد.

۲-۱) اقسام ساتر

در فقه، دو نوع ساتر قابل ذکر است ۱- ساتر صلاتی ۲- ساتر غیر صلاتی. ساتر یا ستر صلاتی، پوششی است که در حالت نماز بایستی به کار برده شود که ابتدا باید شرایط آن را در نظر گرفت؛ از قبیل پاک بودن، غصبی نبودن و... (طوسی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۱۵؛ علم الهدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۲۹) مثلاً مذهب امامیه در این باره به اتفاق سایر مذاهب قائل است «طهاره السّاتر و البدن شرط فی صحه الصّلاه باتّفاق الجميع» (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۹۴) پاک بودن لباس و بدن، به اتفاق همه مذاهب در صحت نماز شرط است. البته این ساتر نیز شرایط خود را باید همراه با توانایی و از روی اختیار مکلف در حالت نماز احراز کند ولی ساتر غیر صلاتی، پوششی است که در مقابل افراد نامحرم باید رعایت نمود و شرایط خاص در نماز را که بدانها اشاره شد، ندارد و اما در اینکه ستر صلاتی و غیر صلاتی، از نظر مقدار و حدود پوشش با هم تفاوت ندارند، ظاهراً اختلافی وجود ندارد (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۲۲). با این وجود، ساتر غیر صلاتی، طبیعی است که برای هر دو جنس زن و مرد تفاوت پیدا کند؛ از این رو، بیشترین تأکیدی که درباره آن در متون فقهی می شود، ناظر به جنبه پوشش کامل بودن آن است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۱۸). ستر عورت در زن و مرد و نزد محرم و نامحرم، چندان تفاوتی با یکدیگر ندارند؛ مثلاً فقها اصطلاحی دارند که می گویند «بدن زن جز چهره و دو دست وی، عورت است. این احتمال وجود دارد که این قول از کلام نبوی (ص) برداشت شده باشد که فرمود «المرأه عوره»، یعنی زن از حیث آسیب پذیری بدون حفاظ بوده و چون احساسات شدیدتری نسبت به مرد دارد، احتمال اینکه در دام شیطان بیفتد، بیشتر است (شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۲۲). اصطلاح فقها از عورت نیز، شاید به همین مطلب اشاره دارد و الا اینکه در همه جا، کلمه عورت را به همان معنای زشت و قبیح بودن در نظر بگیریم، به نظر می رسد استعمال درستی نباشد (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۲۲). به دلیل اینکه عورت بودن بدن زن از نظر آسیب پذیر بودن او از نگاه های نامحرم بوده هر چند که در درون خود احساس خجالت نکند. یعنی غیر مستور بودن زن، باعث نگرستن مرد نامحرم به او شده و این امر در نزد شارع زشت و قبیح بوده هر چند که خود زن التفاتی به این مهم نداشته باشد.

۳-۱) اهمیت بحث از ستر و ساتر در فقه

در فقه، احکام و شرایط خاصی را برای ساتر قائل شده اند؛ مرحوم آیه الله طباطبایی یزدی در کتاب عروه الوثقی در فصل «فی السّتر و السّاتر» می گوید «اعلم انّ السّتر قسمان: ستر یلزم فی نفسه و ستر مخصوص بحاله الصّلاه» ستر بدن بر دو قسم مشتمل شده است؛ اول، ستری که به شخص مربوط است و در مواجهه با نامحرم توصیه می شود. دوم، ستری که مخصوص حالت نماز می باشد. سپس شرایط هر یک را چنین بیان می کند «لا یشرط فی السّتر الواجب فی نفسه ساتر مخصوص و لاکیفیه خاصه بل المناط مجرد السّتر» درباره پوششی که در مواجهه با نامحرم در نظر گرفته شده، پوشش خاص و با کیفیت معینی شرط نیست بلکه ملاک اصلی پوشیدگی بدن است. این ویژگی تعالیم فقهی بوده که متعلق اصلی را در حکمی که بر روی یک مسأله قرار داده ملاک تعیین می نهد. از این کلام صاحب عروه الوثقی، وجود تفاوت در پوششی که برای شخص است و پوششی که در حالت نماز به کار گرفته شده و یا اندازه کوتاه و بلندی داشته باشد، متعلق اصلی حکم نمی باشد؛ زیرا اگر در هر ساتری، ملاک پوشیدگی بدن زن و مرد قرار داده شود، اندازه و کیفیت پوشش دیگر تعیین پیدا می کند و «مجرد السّتر»

صدق می کند. اما درباره ساتری که در حالت نماز باید لحاظ شود «فله کیفیت خاصه و یُشترط فیه ساترٌ خاص و یجب مطلقاً» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، صص ۳۱۷-۳۱۹) کیفیت خاصی داشته و ساتر معینی دارد و واجب است آن به کار گرفته شود. از عبارت صاحب عروه الوثقی «یُشترط فیه ساترٌ خاص» معلوم می شود عدم پوشش کامل برای زن در حالت نماز، محلّ یکی از شرایط نماز به لحاظ حکم وضعی می باشد؛ لذا فقها تأکید دارند اگر مویی یا موضعی از بدن در حالت نماز صدق پوشیدگی نکند، لازم است مورد تستر قرار گیرد «لابدّ من ستر شی ممّا هو خارجٌ من الحدود». قید «خارجٌ من الحدود» همان ضرورت توجه به کیفیت ساتر در حالت نماز را می رساند. به اعتبار این ضابطه، ملاحظه می شود فقها شرایط خاصی اعم از طهارت لباس، مباح بودن ساتر، عدم غصبی بودن، از اجزاء میتنه نبودن، از حیوان حرام گوشت تهیه نشدن و ... را برای نمازگزار شرط قرار میدهند (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، صص ۱۴۲-۱۴۴).

شیخ مفید در احکام النساء گوید «و ستر المرأة الحرّة فی الصّلاه قمیص و خمار، تغطّی به رأسها لا اقلّ من ذلک» بر زن آزاد در نماز، پوشیدن چادر و روسری واجب بوده که موی سرش را مستور دارد و کوتاه تر از آن پوشیدن جایز نیست. تحدید به «لا اقلّ من ذلک» گویای وجوب ستر کامل زن در نماز با ساتری همچون چادر است. سپس بیان کرده «لیس حکم الرجال حکم النساء فیما قدّما ذکره من السّتره فی الصّلاه» (مفید، ۱۴۱۳ق، صص ۲۷-۲۸) یعنی، حکم مردان به سان حکم زنان از حیث پوشیدگی در حالت نماز نمی باشد. هم چنین درباره دختری که به سن بلوغ نرسیده در هنگام نماز، موی سرش را می تواند مکشوف نگه دارد «و ستره افضل» اما پوشاندن آن بهتر است «فاذا بلغت لم تصلّ الا مغطّاه الرأس» هنگامی که بالغ شود حتماً باید موی سرش را بپوشاند. هرچند ساتر هر یک از مردان و زنان به حسب جنس و کیفیت فرق می کند ولی از نظر پوشیدگی بدن مورد تأکید قرار گرفته است.

از جستجو در کتب لغت و تأمل در تعاریف واژه حجاب در معنای لغوی، دو مفهوم به چشم می خورد که نزدیک به معنای ستر است؛ یکی فاصله انداختن بین دو امر که از کلمات حائل، مانع و حاجز بدست می آید و دیگری پنهان کردن و پوشاندن که از کلمه ستر حاصل می گردد. نکته ای که در این موضع به خاطر می رسد، این است که فقها، واژه ستر را برای پوشیدگی بدن زن و مرد غالباً استعمال می کنند ولی کلماتی مثل حجاب نسبتاً جدید است (غروی نایینی و عامری، ۱۳۸۶، صص ۱۱۶-۱۲۰).

فلسفه اصلی ساتر برای زن بخصوص، پوشاندن همه بدن است، خواه کسی او را ببیند یا خیر. هنگامی که زن قصد میکند نماز بخواند، در دو وجه مسأله ساتر در فقه قابل بحث است؛ یکی در وقت وضو گرفتن که پوشاندن مقداری از صورت که در وضو باید شسته شود، لازم نمی باشد. یکی هم زمانی که در حالت نماز قرار دارد و اجزای نماز را انجام می دهد، پوشاندن تمام بدن زن حتی سر و موی او می باشد. بر زن لازم بوده مختصری از اطراف این موارد را از باب مقدمه واجب مستور دارد (خمینی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۶۱). فقها، متعلقی را که بیش از همه ستر آن را لازم دانسته و به این دلیل پوشیدگی بدن مورد توجه واقع شده سترالعوره می باشد؛ درباره مرد و زن بخش اعظم ستر به این دلیل است که موضع یا زیور زن از حدود شرعی خارج نشده و جلب نظر نکند «و لابدّ من ستر شی ممّا هو خارجٌ من الحدود» (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۴۲).

در باب حج و نکاح نیز در فقه شرایط خاصی برای ساتر ذکر شده است؛ مثلاً علامه حلی در تذکره الفقهاء، پوشیدن لباس دوخته شده را به این سبب که بدن زن عورت بوده و همانند مرد نیست که توجه نامحرم بدو جلب نمی شود جایز می داند «يجوز للمرأة لبس المخیط اجمالاً لأنّها عوره و لیست كالرجال» (علامه حلی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۱۳۶) هم چنین آنجا که زن در نبود محرم یا زوج در موسم گزاردن حج، امنیت پیدا نکند که به حج برود، وجوب حج را از وی ساقط ابراز می کند «المراه كالرجل متی خافت علی نفسها او المكابره علی فرجها سقط الفرض عنها، فان احتاجت الی المحرم و تعذّر، سقط الفرض عنها ایضاً لعدم استطاعتها بدونه» (همان، ص ۶۱).

در باب نکاح نیز، سائر زن به موجب موضع یا زینتی که زن کشف یا مستور کرده و نگاه نامحرم را به خود متوجه سازد ضابطه می‌یابد؛ مردی که قصد ازدواج با زنی را دارد تا چه مقدار می‌تواند به زن مورد نظر نگاه کند؟ آیه الله حکیم در مستمسک العروه الوثقی می‌گوید «يجوز لمن يريد تزويج امرأه ان ينظر الي وجهها و كفيها و شعرها و محاسنها» (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۲۷) مرد می‌تواند به زنی که قصد ازدواج کردن با او را دارد به صورت و دستان و موها و زیبایی‌های زن نگاه کند. ایشان این مسأله را مورد اتفاق اصحاب دانسته و ادعای صاحب کشف اللثام و هم چنین نفی وجود مخالفت در بین مسلمین بر این نظر طبق ادعای صاحب جواهر را بر همین مبنا متذکر می‌شود. جواز نگاه مرد به زن بنا به مواردی که عرض شد، مؤیداتی نیز دارد؛ علاوه بر اتفاق اصحاب و اجماعی که بر جواز نگاه دلالت دارند، بررسی ادله بیانگر جواز نگریستن مرد به زن معین بوده و اگر موردی تردید داشت، به مقتضای اصول لفظی از جمله اصله العموم، حکم آن حرمت نگریستن است. در برابر، اگر زن بخواهد به مردی که به خواستگاری او آمده نظر بیندازد محدوده نگاه با توجه به ساتری که مرد پوشیده چه اندازه است؟ همان طور که برای مرد اختیار طلاق زن شرعاً وجود دارد، زن نیز از اینکه با مردی که هنوز وی را نشناخته است، دقت بیشتری در انتخاب به خرج دهد تا دچار زیان و پشیمانی نگردد، به تعبیر بعضی فقها همانند مرد می‌تواند به مرد در حد وجه و اطراف و چگونگی راه رفتن نگاه کند و دقت در این کار به طریق اولی برای زن ضرورت دارد (کلانتری، ۱۳۸۳، ص ۳۱). به نظر می‌رسد که مدلول این نظر بر این پایه است که اولاً هم خود زن و مرد از حیث عدم آگاهی نسبت به مشخصات ظاهری و اخلاقی یکدیگر متضرر نشوند و ثانیاً، به این دلیل که زن ذاتاً در مقایسه با مرد، حیای بیشتری دارد و سعی می‌کند به قیافه مرد چشم ندوزد، بنابراین با نگاه انداختن به خواستگار مرد امکان ضرر و فریب در حق او منتفی شود.

۲) کیفیت ستر و سائر در سه باب صلاه، حج و نکاح

نظر به اینکه فقها در آثار فقهی غالباً در سه باب صلاه، حج و نکاح سخن از سائر را مطرح می‌کنند، به همین خاطر نظر مذهب امامیه را با مذاهب اربعه درباره کیفیت سائر جویا شده و به تفکیک مسأله پرداخته می‌شود.

۲-۱) در حال نماز

درباره جزئیات کیفی سائر و شرایط آن در حالت نماز، علاوه بر شرط طاهر بودن، غیرغصبی بودن، از جنس حریر و طلا نبودن بخصوص برای مردان برخلاف زنان، از پوست حیوان حرام گوشت نبودن و مذاهب خمسّه خصوصیات دیگری نیز برای آن برشمرده اند. بنابراین، سائر:

۱- باید در مرد ستر عورت خود نماید بخصوص از ناف تا زانو ۲- برای زن، کشف کردن صورت و دو دست تا مچ، به اندازه ای که وضو می‌گیرد، جایز است ۳- در مرد ستر از ناف تا زانو، افضل گفته شده است، اگر در آن هنگام، زن نامحرمی بداند به وی می‌نگرد، لازم است دیگر مواضع مکشوف را نیز بپوشاند ۴- در مورد زن، اگر کشف کردن مواضع گفته شده همراه با نگاه نامحرم به وی باشد، زن را گناهکار می‌شناساند (علم‌الهدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷۵؛ ابی‌الصلاح حلبی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷۱؛ مودودی، ۱۳۸۴ق، ص ۲۷۲؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷ق، ص ۹-۱۰؛ معصومی، ۱۳۸۲، صص ۹۱-۱۰۳).

مضاف بر این، زراره از امام باقر (ع)، نحوه نماز خواندن زنان را به این شرح نقل می‌کند که در آن، سائر مناسب برای زن به نیکی جهت تحرز از هرگونه نگاه نامحرم بیان شده است «هرگاه زن به نماز بایستد، باید پاها را کنار هم قرار دهد و میان آنها

فاصله نیندازد، یعنی به هم بچسباند و دستها را روی سینه بگذارد و هنگام نشستن روی کفها بنشینند و نحوه نشستن او با مرد متفاوت است؛ از این رو، وقتی که به سجده می رود، باید در آغاز بنشیند و سپس به سجده رود و در حالی که بدن به زمین چسبیده است سجده کند در هنگام برخاستن باید به گونه ای باشد که توجه دیگران را به خود جلب نکند و نباید کفها را بلند کند (حرعاملی، ج ۴، صص ۶۷۶-۶۷۷). این روایت، به روشنی نماز خواندن زن را در ارکان قیام و قعود توضیح داده و موارد لازم به تذکر را بیان می کند تا در سایه رعایت این نکات مهم، سائر زن در حالت نماز، مایه جلب نامحرم و یا با حالت وی در غیر نماز تفاوت چندانی پیدا نکند و به عبارتی، دقت در مستور بودن در نماز، تأثیر بخصوصی در پوشش زن و مرد و رعایت احکام و شرایط آن در حالت غیر نماز نیز ایفا میکند. این نکته را می توان از شرایط خاصی که فقها برای سائر صلاتی قائل شده اند دریافت نمود مثل زمانی که بیان می شود «لایجوز للرجال لبس الذّهب فی غیر الصّلاه ایضاً و فاعل ذلک آثم» و هم چنین آنجا که آمده «ان لایکون من الحریر الخالص للرجال و لایجوز لبسه فی غیر الصّلاه ایضاً کالذّهب» (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۹۴؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، صص ۱۴۳-۱۴۴) همان طور که در حال نماز پوشیدن طلا و حریر بخصوص برای مرد حرام است در حال غیر نماز نیز جایز نیست. شرایط دیگری در باب سائر صلاتی از دیدگاه مذهب امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت بیان شده است که به ذکر آنها می پردازیم.

۱- در این باره قول مذهب امامیه این است که اگر قطره خونی بر سائر بیفتد و بخصوص در ازاله آن مشقت ایجاد کند، محل گذشت است. همین طور این خون اگر از یک درهم کمتر باشد. مذهب مالکیه نیز در این باره گوید، این خون اگرچه از خوک باشد شرط است از مقدار یک درهم بیشتر نباشد. مذهب حنفیه هم قائل است اگر مطلق نجاست به اندازه یک درهم، اعم از قطره خون و غیر آن باشد اشکالی در طهارت ایجاد نمی کند. قول شافعیه این است که هر نجاستی که غیر قابل تصور باشد و به اندازه ناچیزی است، محل گذشت می باشد. قول حنابله نیز این است که خون ناچیز و غیر قابل تصور، محل گذشت است.

۲- از طرف دیگر، مذاهب اتفاق دارند که پوشیدن لباس حریر و طلایی بر مردان، چه در حالت نماز و چه در غیر آن، حرام است برخلاف حکم جواز آن برای زنان و مستند این قول، حدیث نبوی(ص) است که فرمودند «حرم لباس الحریر و الذّهب علی ذکور امتی و احلّ لائناهم». صاحب کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه نیز در این باره گوید «الاتّفاق علی انّ للمضطرّ ان یتّلی بالحریر و لاتجب علیه الاعاده» (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، صص ۹۴-۹۶). این قول به معنای نقض اتفاق مذاهب و یا مخالفت با روایت نبوی(ص) نمی باشد، بلکه بنا به پیش آمدن حالت اضطرار است که در این صورت، حکم تکلیفی حرمت را به جواز استعمال تغییر می دهد (الضرورات تبیح المحظورات). ولی پوشیدن لباس حریر برای زن همانند مرد منع شده است «فی جواز لبس الحریر للمرأه روایتان، اشهرهما المنع» (فاضل مقداد، ج ۱، ص ۴۶۲).

۳- در باب مباح بودن سائر، مذهب امامیه وجود آن را الزامی می دانند. این مطلب بدین معناست که چنان چه به غصبی بودن لباس جاهل یا از اینکه آن را غصب نکرده، فراموش کرده است و یا نسبت به حرمت عمل عذر موجه داشته باشد یا آن را از یاد برده یا بیمار شده باشد، اشکالی در خواندن نماز با لباس غصبی نیست بلکه قول احوط، این است که حتی اگر در جیب پیراهن مویی موجود باشد نماز صحیح نمی باشد (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۴۳) برخلاف مذاهب اربعه که نماز خواندن با آن را نیز محکوم به صحت می کنند.

ذکر این نکته درباره حدود پوشش و سائر در نزد اهل تسنن لازم بوده که آنان جایگاه و مبحث مستقلی را برای آن قائل نشده اند^۱ و در دو موضع ستر در نماز به عنوان یکی از مقدمات و شرایط نماز و کتاب نکاح از جهت جواز نگاه مرد به زنی که به خواستگاری او رفته محدود شده که اکثر فقها حد پوشش را علاوه بر حالت نماز به غیر نماز نیز تعمیم داده اند (فاضل، ۱۳۸۶، ص ۲۸).

۴- درباره نماز خواندن با ساتر فراهم آمده از پوست حیوان حرام گوشت، قول امامیه این است که هرچند دباغی شده باشد، نماز خواندن با آن صحیح نیست؛ همین طور اگر ساتر جزئی از حیوان مرده باشد، باز هم نماز خواندن با آن صحیح نیست. در اینکه اگر ساتر یک لباس تنها باشد و آن هم نجس است، در این فرض، مکلف باید آن را برتن کند و نماز بخواند، یا اینکه برهنه نماز بخواند؟ قول مذهب مالکیه و فقهای زیادی از مذهب امامیه این است که با آن لباس نجس نماز خوانده و اعاده بر او واجب نیست. قول مذهب حنابلّه این است که با آن لباس نجس نماز خوانده می شود و اعاده بر او واجب است. مذهب حنفیه و شافعیّه قائلند، برهنه نماز خوانده و در هیچ حال، در نماز با آن لباس نجس نماز نمی خواند (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، صص ۹۶-۹۷). ذکر این مطلب بایسته است که نظر مذاهب در خصوص اینکه با لباس نجس نماز خوانده شود و اعاده هم ندارد (مذهب مالکیه و اکثر فقهای امامیه) و یا می تواند برهنه نماز بخواند (مذاهب حنفیه و شافعیّه) واضح است که در حالت اضطراری چنین رخصتی داده شده است ولی نظر دوم، نظر صحیحی نمیتواند باشد؛ به دلیل اینکه وجود ساتر در نماز، یکی از شرایط صحت نماز می باشد. اگر نظر اول (خواندن نماز با لباس نجس) پذیرفته شود، با این فرض بوده که در حالت اضطراری و عدم امکان طهارت لباس این عمل صورت گرفته اما نظر دوم، هم بر خلاف قداست و شرایط صحت نماز حکم کرده و هم اینکه حکمی خلاف حالت اضطراری صادر کرده است.

۲-۲) در حال غیر نماز

درباره کیفیت ساتر در غیر حالت نماز، فروع مختلفی وجود دارد آنچه بدان اشاره شد، این بود که مذاهب اتفاق دارند بر آنچه که در حالت نماز باید بپوشند، در حالت غیر نماز و در مواجهه با نامحرم خود را با آن مستور کنند. از آن جمله، حدود کشف معین شده برای ساتر می باشد، چه موضعی از بدن، حتماً باید پوشیده گردند و که درباره محارم و غیر محارم و جنس مذکر و مؤنث احکام جداگانه ای پیدا می کند؛ مثلاً قول امامیه این است که بین اندازه جواز کشف ساتر و نگاه کردن به آن ملازمه ای وجود ندارد. مردان می توانند به جز عورتین خود، تمام بدن خود را مکشوف قرار دهند، اما با این حال، برای زن نامحرم نگاه کردن به بدن مرد جایز نیست (همان، ص ۹۱). این مطلب، یکی از موارد تحدید ساتر برای مردان در حالت غیر نماز است. در مورد زنان، هیچ دلیل عقلی و نقلی دال بر جواز کشف ساتر خود بیش از حد وجه و کفین وجود ندارد؛ زیرا این تحدید اخذ شده از نص آیه و تفسیر آن از روایت معصوم (ع) می باشد، در نتیجه ساتر زن باید پوشش کامل باشد و قول پروردگار «و لایبدین زینتهن» آن را اقتضا می کند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۶۰). در نتیجه اگر کشف بیش از حد وجه و کفین باعث خوف افتادن در مفسده و افتان یا زینت حرام شود، پوشاندن صورت واجب خواهد بود (حسینی شیرازی، ۱۴۲۲ق، ص ۴).

۱- در فقه امامیه بخصوص آن جا که در فقه متأخرین وارد شده، پوشش در سه عنوان گنجانده شده است؛ اول، پوشش در مقابل مردان و زنان نامحرم که از نظر حکم تکلیفی، فقها آن را در کتاب النکاح مورد بحث قرار می دهند. دوم، در حال نماز از نظر حکم وضعی و شرطیت در نماز که اخلاص به آن، تنها به ابطال نماز موجب شده حتی اگر تنها بوده و کسی او را نبیند که در کتاب الصلاه به میان می آید سوم، پوشش زن در حال احرام حج و عمره از نظر شرطیت برای احرام با قطع نظر از مواجهه با ناظر محرم - چه مرد و چه زن - که در کتاب الحج مطرح می شود که در این باره بر روی دو پوشش تمرکز شده است ۱- عدم جواز نقاب و برقع؛ چنان که صاحب جواهر و علامه حلی گویند ۲- جواز اسدال و ارخاء الثوب علی وجهها؛ که این حکم در کتب تذکره، جواهر و کشف اللثام مورد اجماع است (شریعت موسوی، ۱۴۲۷ق، صص ۴۳۴-۵۵۱).

۲- یکی از ابوابی که فقها راجع به احکام ساتر از دیدگاه مذهب امامیه و مذاهب اربعه بدان پرداخته اند، باب حج بوده که از فروع آن، استطاعت مربوط به حج زنان است. مذاهب اتفاق دارند اذن زوج برای زوجه در حج واجب مشروط نیست، همین

طور، منع زوج زوجه را. ولی در اینکه چنانچه زوج یا محرمی نباشد که زن را مصاحبت کند آیا حج بر او واجب است یا خیر؟ مذاهب امامیه، مالکیه و شافعیه قائل اند: وجود محرم یا زوج برای همراهی با زوجه شرط نبوده ولی قول مذاهب حنابل و حنفیه الزامی بودن آن است (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۹۴). همراه بودن زوج یا محرم از آن حیث ضرورت دارد که هم به دفاع از زوجه در برابر خطرات برخیزد و هم از اینکه در هر مکانی که زن گام بر می دارد مرد نامحرمی وجود دارد و امکان دارد به چشم چرانی بپردازد.

در تحریر الوسیله حضرت امام خمینی (ره) مسأله ۵۲ آمده است «زن اگر مستطیع باشد، اجازه شوهر برای حج او شرط نیست همین طور، در صورتی که حج نذری و مانند آن باشد و وقت نیز مضیق باشد ولی اگر حج ندبی باشد اذن شوهر معتبر است». همانند مستطیع بودن زن، مسأله ۵۳ بیان کرده «زن اگر نسبت به جان و عفت خود امنیت داشته باشد وجود محرم در حج او شرط نیست». ممکن است زن بدون امنیت و وجود محرم، به قصد حج به جا آوردن بیاید، در این وجه گفته شده، حجت صحیح بوده بخصوص اگر قبل از شروع در احرام این امنیت پدید آید (خمینی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۳۰).

۳- یکی از محرمات احرام برای بانوان، به کارگیری زینت و آرایش است که دعوت به عبادت همراه با زینت برای زنان، دعوت فراگیری بوده که با آیات و روایات وارده در این باره تخصیص می خورد؛ به این معنا که زینت داشتن در محل های عبادت عمومی چون حج نباید موجب آشکار شدن زینت زن گردد (معین الاسلام، ۱۳۹۰، ص ۹۴). چرا که عبادت با قصد آشکار کردن زینت با مقصد حقیقی از تشرف به حج منافات دارد.

۴- در کتاب النکاح نیز، فقها احکامی را درباره حدود نظر و عدم جواز نظر به اجنبیه مطرح می کنند. این قضیه از حیث محرم و نامحرم بودن حکم آن فرق می کند؛ مثلاً آن جا که رابطه زوج و زوجه در کار است دیگر از کیفیت سائر بحث نمی شود؛ مرحوم آیه الله حکیم در مستمسک العروه الوثقی مسأله ۲۹ افاده کرده است «يجوز لكل من الزوج و الزوجه النظر الى جسد الآخر» (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۳۴) یعنی نگاه مرد به همسرش جایز است ولی همان گونه که بیان گردید، مذاهب در مقدار پوشیدگی که زن باید از محارم رعایت نماید، موضع اختلاف دارند.

۵- محارم مرد - چه زن و چه مرد - بر او جایز است به غیر از سواتین به مواضع بدن آنها نگاه کند. درباره زن نیز این حکم بدون اشکال است. کما اینکه مذاهب اربعه در حد «ما بین السره و الرکبه» و مذهب امامیه در حد «تستر السواتین» این نظر را پذیرفتند. به این معنی که چنانچه نگاه مرد یا زن به محارم بدون قصد لذت و خوف افتان باشد، اشکالی ندارد، در صورت وقوع آن، مواضع مکشوف لازم التستر است. اما درباره مقدار تستر زن از مرد نامحرم و حد پوشیدگی مرد از زن نامحرم وجه اتفاق و افتراق وجود دارد؛ اتفاق مذاهب بر سر این است، تمام بدن زن عورت بوده و از این حیث آسیب پذیر می باشد؛ یعنی تمام بدن زن برای مرد چنین حالتی دارد (شریعت موسوی، ۱۴۲۷ق، ص ۸۰۷) که به تحریک او می انجامد. به استثنای وجه و کفین زن که مأخوذ از آیه ۳۱ سوره نور می باشد.

وجه افتراق نیز، بر سر مقدار پوشیدگی برای مرد است. کما اینکه ذکر شد، مذاهب حنفیه و حنابل «تستر ما بین السره و الرکبه» را نزد غیر زوج و نگاه کردن به سایر مواضع را برای مرد و زن - چه محرم و چه نامحرم - «عند امن الفتنه» یعنی به شرط عدم خوف افتان قائل شده اند و اما مذاهب مالکیه و شافعیه، دو حالت را به اعتبار مرد و زن بودن و محرم یا نامحرم بودن تقسیم کرده اند. مذهب امامیه نیز چنین تفصیل داده است نزد محارم - چه زن و چه مرد - در صورت عدم وجود قصد لذت و به غیر از سواتین اشکالی وجود ندارد، لکن در مقابل، زنان نامحرم به استثنای وجه و کفین نمی توانند به سایر مواضع چشم بدوزند (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۸۸). مذاهب اربعه غالباً «تستر ما بین السره و الرکبه» را ملاک قرار داده بودند. نظر اکثر فقهای امامیه نیز «تستر السواتین» است. نظر مذاهب مالکیه و حنابل معتدلتر از مذاهب دسته اول به نظر می رسد؛ زیرا بیان

کرده اند، از مردان محرم، زن باید همه بدن را بپوشاند به جز اطراف صورت و دستان. در حقیقت، این نظر تکمیل کننده نظر مذاهب دسته اول بوده و مواضع لازم الستر و جایز الکشف را تبیین کرده است (همان، ص ۸۸).

در مورد نگاه به مرد و زن نامحرم آمده «لایجوز النّظر الی الأجنبیه و لا للمرأه النّظر الی الأجنبی من غیر ضروره» یعنی نگاه مرد به زن نامحرم و هم چنین نظر زن به مرد نامحرم بدون وجود ضرورت جایز نمی باشد؛ دلیل این امر را عموم عمل به فراز «یغضضن من ابصارهنّ» عنوان کرده اند. همین طور اجماعی که در مسأله وارد شده و مؤید آن، گفتار پیامبر اکرم (ص) خطاب به عایشه و حفصه است، زمانی که ابن ام مکتوم بر آنها وارد شد. پیامبر (ص) به آنها فرمود «ادخلا البیت» وارد خانه شوید. آنها گفتند: او نابینا است. پیامبر (ص) فرمود «ان لم یرکما فانکما تریانه» هرچند او شما را نگاه نمی کند ولی شما که او را می بینید. در تفصیل مطلب می توان گفت، فقهای معظم بر اینکه جایز است به زنان محرم نگاه انداخته شود، اجماع صریح و آشکاری دارند. همان گونه که صاحب جواهر آن را از ضروریات تلقی کرده است. البته به شرط اینکه نکاح با آنها بر مرد حرام باشد چه نسبی باشد و چه رضاعی (طبایبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، صص ۳۵ - ۳۹). در حقیقت، مذاهب با این بیان اتفاق نظر دارند بر سر اینکه تستر مرد در حد ناف تا زانو در فرضی که ناظری نباشد و تستر کامل بدن در حالتی که ناظری به او چشم بدوزد. این استنباط از تفصیلی که مذاهب حنبله و حنفیه قائل شده اند مبنی بر اینکه در صورت عدم خوف افتان، نگاه به سایر مواضع برای مرد و زن جایز دانسته شده و تفصیلی که مذاهب دیگر و بخصوص مذهب امامیه قائل شده می توان فهمید که نگاه را مشروط به عدم قصد لذت کرده است.

۳-۲) ملاک اصلی در حدود ساتر

ابتدا باید گفت مذاهب قائل هستند ملاک تستر برای زن در مقابل مرد نامحرم، آیه ۳۱ سوره نور «و لا یبدین زینتهنّ آلا ما ظهّر منها و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ» می باشد؛ یعنی، و زینت های خویش را جز آنچه که خود ظاهر شده آشکار نکنند و روسری هایشان را بر گریبان ها قرار دهند و گفته شده است، مراد از زینت وجه و کفین است. مقصود از خمار در فراز آیه، پوشاندن سر است نه صورت. همین طور جیب به معنای سینه است و بدین منظور است که موهای سر را بوسیله پوشش مستور نگه دارند. در فراز آیه ۵۹ سوره احزاب «یا ایّها النّبی قُلْ لِّلزّواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ» ای پیامبر (ص)، به همسران خود و دختران و زنان مؤمنان بگو چارقد های خود را به یکدیگر نزدیک سازند، گفته شده مقصود از جلابیب، پوشاندن صورت نیست بلکه آن شبیه پیراهن و لباس با اندازه بلند است. لازم به ذکر است در این مطلب، مذاهب اتفاق نظر دارند ولی درباره اندازه عورت در مرد، از این نظر که تا چه اندازه نگاه خود را به دیگری کاهش داده و منظور نیز که مرد باشد تا چه حد باید خود را پوشش دهد محل اختلاف واقع شده است. نظر مذهب امامیه این است «و فرّق الامامیه بین ما یجب علی النّاظر و ما یجب علی المنظور، و ما یجب علی المنظور فقالوا: لایجب علی الرّجل آلا ستر القبل و الدّبر، و لکن یجب علی الاجنبیات حبس انظارهنّ عمّا عدا الوجه و الکفّین و یتخلّص رأی الامامیه بان الرّجل یجوز له النّظر الی بدن مثله و الی بدن امرأه من محارمه ما عدا القبل و الدّبر بدون ربه و کذا المرأه یجوز لها النّظر الی بدن مثلها او رجل محرم ما عدا السّوائتین بدون ربه» (همان، ص ۸۸). مذهب امامیه در این باره بین شخص ناظر و منظور قائل به تفصیل شده است؛ آنچه که برای مرد لازم بوده آن را از دید نامحرم حفظ کند ستر عورتین است و اما آن چیزی که برای زن نامحرم بایسته است، کنترل چشمان خود به جز وجه و کفین که می تواند بدان بنگرد. خلاصه این توضیح بدین معناست که مذهب امامیه مقرر کرده برای مرد رواست به مواضع بدن مرد دیگر نگاه کند. همین طور به بدن مردان محرم به استثنای عورتین و بدون قصد

لذت و ریه. درباره زن نیز جایز است به بدن هم جنس خود بنگرد یا بخواهد به مردی از محارم نگاه کند ولی مشروط به دو شرط شده است: ۱- غیر از عورتین باشد ۲- بدون قصد لذت و ریه.

فقه‌های امامیه درباره تحدید سائر زن گفته اند «يجب ان تستر السّواتين عن النساء و المحارم اما ستر ماعدهما فأفضل و ليس بواجب آلا مع خوف الفتنه» (همان، ص ۸۸). در باب مسأله سواتین، فقها فرقی بین زنان بیگانه و زنان محرم قائل نشده و در هر صورت، ستر آن موضعی که نشان دهنده عجز و پستی بدن هستند نه تنها شرعاً که عقلاً الزامی است. لذا هنگامی که سخن از تحدید سائر در شارع می شود، مقصود فقط پوشیدگی بدن انسان برای خودش نیست، اهمیت مسأله در نزد زنان دیگر نیز دوچندان می شود. در روایات ملاحظه می گردد برای زن مسلمان روا نیست بدن خود را به زن غیر مسلمان نشان دهد. امام صادق (ع) می فرماید «سزاوار نیست برای زن مسلمان که در برابر زن یهودی و نصرانی برهنه شود. زیرا آنها نزد شوهران خود، او را توصیف می کنند» (حرعاملی، ج ۱۴، ص ۱۳۳؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷). تعبیر «اما ستر ماعدهما فأفضل» بیانگر الحاق حکم تستر به مواضع دیگر غیر از سواتین است. در ادامه آمده «لیس بواجب آلا مع خوف الفتنه» یعنی، پوشیدگی سایر مواضع برای زن در برابر زنان دیگر واجب نبوده مگر زمانی که مظنه افتادن در گناه باشد. این حکم در مقابل محارم بوده ولی در برابر زن اجنبیه همان گونه که ایراد گردید، مذاهب اتفاق دارند بدن زن در این حالت به استثنای وجه و کفین عورت بوده و نظر مذهب امامیه با آنها موافق است. مذاهب اربعه درباره صورتی که زن در برابر محارم قرار گیرد، به اختلاف افتاده اند. مذهب حنفیه و شافعیه گوید «يجب علیها فی هذه الحال ان تستر ما بین السّره و الرّکبه». مذهب مالکیه و حنبله نیز قائل شده «تستّر عن النساء ما بین السّره و الرّکبه و عن محارمها الرّجال جميع بدنّها آلا الاطراف کالرأس و الوجه». موضع اختلاف مربوط به حدودی بوده که زن در برابر محارم از مردان و زنان مسلمان دارد؛ مذهب امامیه و حنبله فرقی بین زن مسلمان و غیر مسلمان نگذاشته و کشف سائر زن مسلمان نزد زن غیر مسلمان را مکروه میدانند و روایتی که در فوق ذکر شد را ملاک قرار داده اند. لذا گفته اند «لأنّها تصفّ ذلک الی زوجها» (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۸۸). حضرت آیه الله حکیم نیز در این خصوص فرموده «یکره کشف المسلمه بین یدی اليهودیه و النصرانیه بل مطلق الکافره فإنهنّ یصفن ذلک لإزواجهنّ» (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۳۳). سپس گوید «كما ان مقتضى التعلیل التعدی الی غیر اليهودیه و النصرانیه اذا کانت تصفّ لزوجها من تراه من النساء» اگر همین خصلت وصف کردن را نزد شوهرش داشته باشد، هر زنی را شامل می شود.

مذاهب حنفیه و شافعیه در تحدید سائر زن با مذاهب مالکیه و حنبله هم نظر هستند؛ با این شرط که مذاهب دسته دوم، تحدید پوشیدگی از ناف تا زانو را به استثنای موی سر و دستان در برابر مردان محرم واجب می دانند. هم چنین، مذهب حنفیه و حنبله معتقد است بر مرد، ستر از ناف تا زانو واجب است «یستر ما بین السّره و الرّکبه». مذهب مالکیه و شافعیه نیز گوید «لعوره الرجل حالتان: احدهما بالنّسبه الی امثاله من الرّجال و محارمه من النساء و أخرى بالنّسبه الی النساء الأجنبیات» (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۸۸). وجه اختلافی که مذهب شافعیه با سه مذهب دسته دوم دارد، درباره حکم نظر به زن اجنبیه است؛ از این حیث که مذهب شافعیه، نگاه زن بیگانه به بدن مرد را مطلقاً جایز ندانسته است، چرا که معتقد است بدن مرد برای زن بیگانه عورت محسوب میشود. با اندک اختلافی که مذهب شافعیه با مذهب امامیه دارد، می توان گفت در این نظر وجه اتفاق هست. بدین سبب، در فقه آمده، چنان چه مردان بدانند در معرض دید زنان نامحرم قرار دارند، جهت تحرز از گناه غیر از سر و گردن، دستها را تا مچ باید بپوشانند (معصومی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳). با این بیان، فهمیده می شود که تستر بدن مرد در هر حالی واجب بوده و اینکه در فقه آمده بر مرد فقط واجب است ما بین ناف تا زانو را بپوشاند، به دلیل عدم عورت بودن بدن مرد می باشد.

(۳) بیان دیدگاه ها**(۳-۱) دیدگاه اول**

دیدگاه مذهب امامیه است که در باب صلاه قائل است آنچه بر هر زن و مرد در حال نماز واجب است پوشانده شود، با وجود ناظر نامحرم در حال غیر نماز هم واجب است. هم چنین بر زن واجب است از صورت، آن مقداری که در هنگام وضو گرفتن و دستان تا مچ و پاها تا ساق اقتضا می کند را کشف نماید و برای مرد ستر سواتین واجب می باشد. در باب حج برای زن، حکم به جواز پوشیدن لباس دوخته شده و پوشیدن سر و صورت داده و پوشیدن قفازین^۱ و برقع را برای زن مکروه دانسته اند. هم چنین پوشیدن ازار و رداء را برای محرم لازم می دانند. در باب نکاح، فقهای امامیه حکم به جواز نظر مرد به زن مورد نظر داده اند هرچند در محدوده نظر اختلافی نیز دارند (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۸۸؛ علامه حلی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۳۰۳؛ کلانتری، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

(۳-۲) دیدگاه دوم

مذاهب اربعه، قول اتحاد سائر در حال نماز و غیر نماز را پذیرفته اند ولی در حکم ستر و کشف وجه و کفین و ستر مازاد بر زانو برای مرد از نظر مذهب حنفیه اقوال و محل اختلاف دارند. مثلاً بر سر پوشاندن وجه و کفین در حال نماز با پوشاندن آن در غیر نماز که واجب نیست اختلاف کرده اند. درباره مرد، حد پوشیدن که زائد بر ناف تا زانو باشد و در حال غیر نماز واجب نیست پوشانده شود محل اختلاف است و مذهب امامیه نیز همین موضع را دارند. در باب حج همانند مذهب امامیه قائل شده اند برای مرد محرم، پوشیدن لباس دوخته شده، پوشیدن پیراهن و شلوار و هم چنین پوشاندن سر و صورت مرد جایز نیست، به جز مذاهب شافعی و حنبلی که پوشاندن سر برای مرد را جایز دانسته اند. مذهب حنفیه برخلاف مذاهب، پوشیدن قفاز را برای زن جایز دانسته اند. در ضمن، به پوشیدن ازار و رداء مذاهب اتفاق نظر دارند. در باب نکاح، نظر امامیه بر سر جواز نظر مرد به زن مورد نظر را پذیرفته اند به جز مذهب حنفیه که در مسأله به دو وجه قائل هستند (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۹۳ و ۲۱۷؛ کلانتری، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

(۳-۳) بیان ادله دو دیدگاه

دیدگاه مذهب امامیه، ناظر به وحدت سائر در حال نماز و غیر نماز است و این دیدگاه، باعث می گردد که آثار معنوی نماز بر روی مکلف تأثیر بگذارد و در غیر حال نماز مقید به پوشیدن سائر کامل گردد. گرایش فقهای امامیه در باب ستر صلاتی به آیه سوره نور می باشد (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۲۴) که مربوط به نماز نمی باشد؛ زیرا آنچه در نماز لازم است پوشیده شود، با آن ساتری که در مقابل نامحرم باید لحاظ گردد، هیچ تفاوتی ندارد، ولی دیدگاه مذاهب اربعه اهل سنت در عقیده اولیه با مذهب امامیه محل اختلافی نیست ولی در ستر صلاتی، آنجا که مذهب امامیه جواز کشف پوشش را برای زن و مرد به ترتیب، به مقدار شستن در وضو و دو دست تا مچ و دوبا را تا ساق و جواز کشف را برای مرد در حد پوشیدن عورت که افضل آن، بین ناف تا زانو است معین کرده، برای زن پوشاندن روی دو دست و کف پا و یا محدود به کشف صورت و برای مرد، پوشانیدن زانو علاوه

۱. نوعی از پوشش است که از پنبه تهیه شده و زن برای پیچاندن آن دور دستان قرار می دهد.

بر بین زانو و ناف را الزامی می دانند (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۹۳). اما درباره ساتر غیر صلاتی که شرایط خاص نماز را ندارد و در اینکه پوشیدن وجه و کفین نیز لازم نمی باشد، ظاهراً در میان تمام علمای مذاهب، اعم از شیعه و سنی اختلافی نیست به استثنای یک نفر از علمای اهل تسنن که آن هم معلوم نیست که نظرش در مورد ساتر در حال نماز می باشد و یا درباره هنگام مواجهه با نامحرم. مالک بن انس، شافعی، اوزاعی، و سفیان ثوری در این نظر با علمای شیعه هم عقیده بوده و این بر اساس تفسیر ابن عباس از آیه «و لایبدین زینتهنّ آلا ما ظهرمنها» (نور، ۳۱) می باشد که وجه و کفین را توأمأ جزء استثنا شمرده است. اما به عقیده احمد بن حنبل و داوود ظاهری، کفین باید پوشیده شود که سخن ابن عباس در رد سخن آنها کفایت می کند (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۲۴). فتوای فقهای امامیه نیز مؤید مطلوب بوده و به علاوه، برخی محدوده نگاه به وجه و کفین را جایز و برخی حرام می دانند. هم چنین، در مسأله حرمت نگاه به زن، مرحوم خوئی بیان کرده در غیر از وجه و کفین هیچ اختلافی وجود ندارد و موضع اختلاف تنها در وجه و کفین است (حق شناس، ۱۳۸۶، ص ۵۹).

در باب حج، ساتری با نام ققازین و برقع، پوشیدن آن برای زن بنا به روایت امام باقر (ع) مکروه بیان شده است. این را حتی مذاهب اربعه از جمله شافعی، مالکی و حنبلی متذکر شده است. به دلیل عورت بودن بدن زن، به اجماع پوشیدن لباس دوخته شده جایز می باشد (علامه حلی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۳۰۳). مذهب امامیه پوشیدن ققازین و برقع را مکروه دانسته و مذاهب به استثنای مذهب حنفیه بدون ذکر دلیل جواز پوشیدن آن برای زن، حکم به جواز پوشش داده است. پوشیدن سر برای مرد که مذهب شافعی و حنبلی حکم به جواز آن برای مرد داده اند نیز فاقد دلیل روشن می باشد؛ اگر دلیل آنها حفظ نگاه مرد از نظر به زن نامحرم باشد که این فرض در حق زن جاری است و شارع حکم وجوب حفظ نگاه را برای مرد صادر فرموده است. در باب نکاح، مذاهب بر جواز نظر مرد به زن مورد نظر اتفاق نظر دارند؛ هرچند که مذهب حنفیه قائل به دو نظر هستند ولی در یکی از این دو قول، اتفاق داشته اند. به نظر می رسد دلیل جواز نگاه، در حد وجه و کفین برای آشنایی اولیه مرد با زن محذوری ندارد و این محدوده جواز نگاه، در سه باب فقهی مزبور، موضع اختلافی ندارد.

۴-۳) ادله دیدگاه اول

مذهب امامیه همانند مذاهب اربعه، راجع به قدر زائدی که در حالت غیر نماز واجب نیست پوشانده شود اختلاف دارد. زیرا معمولاً زنان در حالت عادی وجه و کفین را نمی پوشانند و درباره مرد نیز این مطلب صادق است که ممکن است مواضع زائد بر میان ناف تا زانو را نپوشانند. در موضع حج، پوشیدن ازار و رداء بخصوص در حج قران لازم است. شهید اول در لمعه بیان می کند «و یجزی ذا القباء مقلوباً لو فقد الرجاء و السراویل لو فقد الإزار» (شهید اول، ۱۴۱۱ق، صص ۵۸-۵۹) در صورت فقدان یکی، دیگری را باید بپوشانند. درباره لباس احرام مرد در فقه گفته شده «و المعتبر ما یصحّ الصلاه فیهِ للرجل» (فاضل مقداد، ج ۱، ص ۴۶۰) لباسی که مرد برای احرام حج می پوشد می تواند پوششی باشد که در حال نماز به کار می گیرد. پوشیدن برقع و ققازین بنا به فرموده امام باقر (ع) مکروه بوده چرا که پوشش کاملی محسوب نمیشود. پوشیدن لباس دوخته شده و پوشاندن سر و صورت برای زن جایز می باشد ولی برای مرد به خاطر اینکه هم بدن مرد عورت محسوب نشده و هم اینکه کشف وجه و کفین برای او جایز است این امر در حق او ممکن نیست. فاضل مقداد نیز گوید «و لبس المخیط للرجال و فی النساء قولان، اصحهما الجواز» (همان، ص ۴۷۰). پوشیدن لباس دوخته شده برای مردان بوده و برای زنان دو قول مطرح شده که قول اصح، جواز آن است.

فقها در خصوص جواز نگاه مرد به زنی که برای خواستگاری او آمده اتفاق نظر داشته اند ولی در محدوده آن اختلاف دارند. آن چیزی که از جستجو در اقوال بدست می آید در حد وجه و کفین و چگونگی راه رفتن، مرد می تواند به زن نگاه کند. به علاوه،

شهید ثانی به نکته جالبی اشاره می کند «و يجوز النظر الى وجه امرأه يُريد نكاحها و ان لم يستأذنها بل يُستحب له النظر ليرتفع عنه الغرر» مرد می تواند به زنی که قصد ازدواج کردن با او را دارد بنگرد هرچند که از او اجازه این کار را نگیرد. بلکه مستحب است به دلیل اینکه از هر ضرری مصون بماند. سپس حد نگاه انداختن را بیان میکند «و يختص الجواز بالوجه و الكفین و كذا يجوز للمرأة نظره كذلك» (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۹) حد نگاه کردن مختص به صورت و دستان است و برای زن نیز این امکان وجود دارد. با همه توضیحات، بنا به بیان بعضی فقها، عدم جواز ابداء وجه به عموم خودش در هر حال باقی است چه در نماز، حج و نکاح (شریعت موسوی، ۱۴۲۷ق، ص ۶۰۱). این نظر مبتنی بر دو دیدگاهی است که فقهای امامیه به آن قائل شده اند؛ یک دسته از فقها هم چون صاحب جواهر و صاحب عروه، پوشاندن وجه و کفین را نیز واجب می دانند. در مقابل، دیدگاه دیگر بیانگر جواز کشف وجه و کفین زن می باشد که به نظر می رسد این نظر از دیدگاه اول که قول مشهوری بوده است نشأت گرفته باشد.

۵-۳) ادله دیدگاه دوم

دیدگاه دوم در نگاه اولیه، با گرایش مذهب امامیه در اینکه هرآنچه که زن و مرد باید در حالت نماز برای خود ساتر بدن قرار دهند، همان در حالت غیر نماز باید رعایت شود، اتفاق دارند ولی وجه اختلاف آنها در حد زائدی است که مرد در هر دو حالت از بین ناف تا زانو بپوشد و یا زن که فراتر از حد وجه و کفین در هر دو حالت ظهور پیدا کند. مثلاً هنگامی که زن وضو می گیرد در حد همان صورت و دو دست و قدمین جایز است که ساتر خود را کشف کند ولی در اینکه در غیر حالت نماز، همین مواضع واجب است آنها را بپوشد یا خیر، اختلاف دارند. استدلال آنها در این باره این است که زن روی و دو دست و کف پا را هم باید بپوشاند و مرد هم زانو را علاوه بر بین زانو و ناف مستور دارد و یا فقط صورت خود را می تواند کشف کند که این اقوال مذهب حنفیه و حنابله درست در جهت خلاف قول مذهب امامیه است، جز شافعیه و مالکیه که قول آنها، اقرب به مذهب ما می باشد، یا مثلاً مرد که باید از ناف تا زانو را بپوشاند، در غیر حالت نماز نیز واجب است یا خیر، محل اختلاف است. خلاصه استدلال آنها این است که بر مرد واجب است که بین ناف و زانوی خود را غیر از همسر خود، از دیگران پوشش دهد که قول مذهب حنفیه و حنابله است. مذهب مالکیه و شافعیه هم گویند، نسبت به محارم خود از مردان و زنان پوشاندن بین ناف تا زانو کافی است ولی نسبت به زنان نامحرم تمام بدن مرد عورت است و لذا نگاه نامحرم به آن مطلقاً حرام است که قول شافعیه است ولی مذهب مالکیه در صورت عدم وجود قصد لذت و ریه، وجه و کفین را مستثنی می داند (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۸۴).

در خصوص حج، پوشیدن ازار و رداء، لباس دوخته شده، پوشیدن سر و صورت را تنها برای زن جایز دانسته با این تفصیل که مذهب شافعی و حنبلی، پوشاندن سر برای مرد را جایز دانسته اند و زن نیز می تواند سرش را بپوشاند و صورتش را کشف نماید. ابوحنیفه قائل است برای زن پوشیدن قفازین جایز است. مذهب مالکیه نیز گفته برای محرم پوشیدن ازار و رداء و دمپایی با وجود ناظر نامحرم مستحب است. مذهب حنفیه، ازار را مایه پوشش از ناف تا زانو دانسته و رداء، پشت و سینه و میان دو شانه را می پوشاند و آن مستحب است که مذهب حنابله و شافعیه نیز پوشیدن ازار و رداء را لازم دانسته اند (همان، صص ۲۱۷-۲۱۸). هم چنین در باب نکاح، درباره مردی که به خواستگاری زنی رفته است، مذهب حنفیه، مالکیه و شافعیه این نظر که مرد می تواند به زن نگاه کند را پذیرفته اند به جز مذهب مالکیه و شافعیه که فقط وجه و کفین را عورت به حساب نمی آورند. ابوحنیفه نیز دو نظر دارد؛ نظر اول، جواز نگاه است و نظر دیگر، قدمین را هم به آن اضافه کرده است. محدوده جواز نظر نیز مورد اختلاف واقع شده است (کلانتری، ۱۳۸۳، ص ۲۸). ریشه این اختلاف نظر اساساً این بوده که کشف وجه و کفین و قدمین

عورت محسوب می شود یا خیر، اگر عورت محسوب می شوند که باید پوشیده گردند و اگر عورت نیستند، می توان آنها را مکشوف کرد.

۶-۳) ارزیابی ادله دو دیدگاه

دیدگاه اول که مذهب امامیه است، اقوال آنها، برگرفته از ادله فقهی معتبر و مخصوص مانند آیات و روایات مربوطه میباشد. در ثانی، حتی اگر دلیل لفظی هم نداشته باشیم، دلیل عقلی و بنای عقلا نیز آن را بر مبنای فطرت هر انسانی منطبق می داند. از این رو، فقهای اسلام چنان که بیان شد، نظر خود را درباره ساتر صلاتی از آیه ۳۱ سوره نور که تعیین کننده حدود کشف پوشش است، اخذ کرده اند (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۲۴).

اگر زنی قصد داشته باشد وضو بگیرد، چنان چه ابتدا از دلیل عقلی بخواهیم کشف کنیم تا چه حد می تواند کشف پوشش کند، براساس ترتیبی که آیات و روایات در این باره تبیین مسأله کرده اند، همان را نیز در حد کشف وجه و کفین و قدمین می داند. همین ضابطه را در رویارویی با نامحرم رعایت کردن، هیچ گونه محذور عقلی و شرعی نخواهد داشت، البته مذهب امامیه، احکام جواز نظر و کشف پوشش را مقرون به عدم وجود قصد لذت و ریه قرار می دهند تا عکس عدم جواز نظر درباره محارم اتفاق نیفتد. درباره مرد نیز همین رویه صدق می کند؛ با این فرق که تمام بدن مرد عورت نبوده و برای زن جایز است که بدون قصد لذت به غیر از عورتین به مواضع دیگر بدن وی نگاه کند که این حکم در نزد محارم صادق است ولی در نزد زنان بیگانه، مشروط به عدم دید زن نامحرم بودن است. مذاهب اربعه، همین احکام مذهب امامیه را بعضاً پذیرفته اند ولی وجوه مبهم زیادی در آرای آنها مشهود است؛ مثلاً این که چرا زن باید روی دو دست و کف پا را هم بپوشاند. اگر مراد این باشد که از افتادن نگاه نامحرم به آن درحالت وضوگرفتن باشد، اگر بنا را بر وضع اضطرار گذاشت و یا نگاه نامحرم با قصد لذت و ریه نباشد، بلکه بطور ناگهانی باشد، آیا باز هم روی دو دست و کف پا را باید بپوشاند و اگر خوف افتادن نگاه نامحرم به او در حالت نماز خواندن باشد که چنین فرضی هم وجهی ندارد با وجود این که هم وضو گرفتن و هم نماز خواندن زنان، امروزه در پشت حائل و بدون دید نامحرمی میباشد.

درباره مرد هم که مذهب حنفیه و حنابله گفته اند، باید بین ناف و زانوی خود را از غیر همسرش از دیگران بپوشاند، تقریباً با قول امامیه یکی است. همین طور نظر مذهب مالکیه و شافعیه که دو حالت را در نزد محارم و غیر محارم قائل شده است، ولی ظاهراً اختلاف چهار مذهب با مذهب امامیه در همان اخذ ملاک ترجیح است؛ یعنی مذهب امامیه، ملاک حدود پوشش و جواز کشف را فراز «و لا یبدین زینتهنّ الا ما ẓهیرمنها» (نور، ۳۱) می دانند که هرچند در این آیه، به زینت های آشکار و پنهان اشاره دارد، ولی بدیهی است که به تبع تعیین حدود کشف زینت، موضع زینت نیز لحاظ می شود و از طرفی اگرچه آیه مختص بانوان بوده ولی در نزد محرم و نامحرم، حدود جواز کشف و ستر را معین نموده است.

ثانیاً، استثنای دوم آیه «و لا یبدین زینتهنّ الا لبعولتهنّ» (نور، ۳۱) می باشد که به جواز کشف حدود تحدید شده در نزد محارم مذکور در آیه قائل شده و حدود کشف پوشش و زینت را برای زن مشخص کرده است. برای مرد نیز، با توجه به دیدگاه امامیه در عدم عورت بودن تمام بدن مرد، همان حد (ما بین السرة و الركبة) بین ناف تا زانو، با رعایت عدم وجود قصد لذت و نگاه نامحرم حاکم است ولی ادله مذاهب دیگر، جز در پاره ای اتفاق قول با مذهب امامیه، فاقد توجیهات شرعی به نظر می رسد. ابوحنیفه در مورد زن محرم، قائل است که می تواند لباس قفازین بپوشد. هنگامی که به روایات و از آن جمله روایت امام باقر (ع) مراجعه می شود، ملاحظه می گردد امام (ع)، آن را مکروه دانسته است. زیرا نمی تواند صدق تستر کامل نماید. لذا علامه حلی می گوید «لا یجوز لبس القفازین و لا لبس شی من الحلی ما لم تجر عاداتها بلبسه قبل الإحرام و لا یجوز لها لبس

البرقع» (علامه حلی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۳۰۳) هم پوشیدن لباس ققازین، هم چیزی که زن را خوش لباس نشان دهد به گونه ای که قبل از احرام عادتاً به پوشیدن آن نبود و همین طور، پوشیدن برقع جایز نمی باشد. بنابراین، نظر مذهب حنفیه برخلاف نظر سایر مذاهب می باشد و مستندی ندارد. همه مذاهب اتفاق دارند پوشیدن سر و صورت برای مرد جایز نبوده ولی مذاهب شافعی و حنبلی کما اینکه اشاره گردید، حکم به جواز پوشیدن سر برای مرد داده اند.

فقه‌های امامیه، این امر را از سی موردی که حکم به محرمات در حج داده شده دانسته اند و تنها برای زن بدون اشکال است «و تغطیه الرأس للرجل و الوجه للمراه و يجوز لها سدل القناع الى طرف انفها بغير اصابه وجهها» (شهید اول، ۱۴۱۱ق، ص ۵۹) زن می تواند از قناع که بدون برخورد به صورت به طرف بینی کشیده شده استفاده نماید. درباره پوشیدن ازار و رداء، ظاهراً محل اختلافی بین مذاهب نیست. محمد جواد مغنیه موضع وفاق و اختلاف نظر را چنین بیان می کند «و اشترطوا فی لباس المحرم کل ما اشترطوا فی لباس المصلی من الطهارة و عدم كونه حريراً للرجال او جلدأ من غير مأكول اللحم» یعنی هر آنچه که برای لباس محرم شرط کرده اند در لباس نمازگزار از طهارت شرط کرده و هم چنین در اینکه از جنس حریر یا از پوست حیوان حرام گوشت نباشد. سپس گوید «فان الخلاف فی لبس المحرم بسیط جداً و يكفي التذليل علی ذلك ان كل ما هو مجز عند الإمامیه مجز أيضاً عند الأربعة» (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۱۸) همانا موضع اختلاف در لباس محرم بسیار اندک است و ذکر این دلیل کفایت میکند هر آنچه نزد مذهب امامیه مجزی است نزد مذاهب اربعه نیز مجزی است.

محدوده نظر مرد به زن برای خواستگاری، همان طور که شهید ثانی متذکر شده بیشتر مختص به وجه و کفین است. دلیلی که ایشان ابراز کرده این است که «لیرتفع عنه الغرر» (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۹) یعنی، تا هرگونه زمینه ضرر و فریب برای خواستگار مرد و هم چنین زن به تبع مستحب بودن نگاه دو طرف به یکدیگر برطرف شود. برای زن همین محدوده جواز نظر به مرد جایز دانسته شده است، هرچند شهید اول جواز نظر را گسترش داده «و ينظرها قائمه و ماشیه و روى جواز النظر الى شعرها و محاسنها» (شهید اول، ۱۴۱۱ق، ص ۱۶۰) مرد می تواند به زن در حالی که ایستاده و راه می رود بنگرد که نگاه کردن به موها و زیبایی های زن نیز جایز النظر روایت شده است. با این توضیح که معمولاً زن اگر محجبه باشد، موهای خود را در برابر خواستگار مرد کشف نمی کند مگر اینکه مقصود خلاف آن باشد. هم چنین این محدوده جواز از نظر شهید اول بر این اساس است که چنین جواز نظری داده شده است هر چند که خواستگار مرد آنها را اعمال نکند.

۷-۳) نظر مختار

آنچه که زائد بر حالتی که زن و مرد در نماز قرار دارد و در غیر نماز نباید پوشیده شود محل تأمل است؛ مرحوم آیه الله طباطبایی یزدی نیز گوید ساتری که برای انسان می باشد کیفیت خاصی ندارد «لا کیفیه خاصه بل المناط مجرد الستر» صرف پوشیدگی بدن ملاک اصلی است ولی در حالت نماز «یُشترط فیه ساتر خاص» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، صص ۳۱۷ - ۳۱۹) نیاز به ساتر خاص با شرایط معینی دارد.

این مطلب بیانگر آن است که در محل اختلاف که مذاهب، حد پوشش را که در حالت نماز لازم الستر دانسته در غیر حالت نماز واجب نمی دانند، ملاک پوشیدگی بدن زن و مرد است. در اینکه زن و مرد مقدار زائد را در غیر حالت نماز بیوشانند یا خیر، به نظر می رسد می تواند برداشت مختلفی پیدا کند؛ اگر مذاهب اتفاق پیدا کنند، زن و مرد در حالت غیر نماز لازم نیست وجه و کفین را بیوشانند و زن از این حکم سوء استفاده نماید و به آرایش کردن مواضع بپردازد، آثار نامطلوبی دارد و یا اینکه موهای زائد را در حالت غیر نماز از روسری ظاهر کند، ایجاد انحراف خواهد کرد. درباره مرد نیز، با توسل به این حکم چنانچه

پوشش کاملی در برابر محارم و غیر محارم نباشد، وجهه شرعی نمی تواند داشته باشد. زیاده روی در صدور حکم همچون نظر مذهب حنفیه که زن روی وجه و کفین را نیز مستور دارد، دلیل معتبری ندارد هرچند بعضی فقهای امامیه، در صورت نگاه محارم با قصد لذت به زن و هم چنین مواجهه نامحرم، پوشیدن وجه و کفین را لازم می دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۱۷؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۳۳). در هنگام نگاه نامحرم، گردن نهادن زن به این حکم واجب است ولی فقهای امامیه، برای وضوگرفتن زن پوشیدن روی وجه و کفین را الزامی بیان نکرده اند (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۴۲؛ خمینی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۶۱).

پوشیدن قفازین و برقع به دلیل اینکه صدق پوشش کامل نمی کند مورد توصیه شارع نمی باشد. هر پوششی که تستر بدن زن نکند و یا همچون زینت ظاهری باشد که نگاه نامحرم را جلب نماید با حال معنوی که در گزاردن مناسک حج وجود دارد سازگار نمی باشد. مذهب حنفیه اگرچه آن را برای زن جایز دانسته ولی توجه به این نکته ننموده که بدن زن عورت می باشد و در صورت پوشیدن قفازین، توجه نامحرم به زن در موسم حج نیز واقع میشود. نکته دیگر اینکه، اختصاص جواز نگاه در حد وجه و کفین عرفاً نمی تواند صدق کند؛ یعنی، نگاه به محاسن و چگونگی راه رفتن زن هم می تواند نظر جالبی باشد؛ با توجه به اینکه شهید ثانی هم در بحث از خواستگاری مرد از زن، برای زن و هم مرد، جهت جلوگیری از ضرر طرفین، نگاه را مستحب می داند. بهتر آن است گفته شود، مرد اگر مشخصات ظاهری و خانوادگی زن را از قبل شناخت دارد و در این زمینه تحقیق کرده، دیگر موجهی برای نگاه کردن به محاسن و چگونگی راه رفتن زن نیست. در صورت عدم آشنایی مرد با زن مورد نظر، می تواند جهت (دفع الغرر) به اطراف و نحوه ایستادن و راه رفتن زن نگاه کند. با عنایت به اینکه شهیدین پس از حکم به جواز نظر مرد به زن مورد نظر، افزوده اند «و ان لم یستأذنها» (شهید اول، ۱۴۱۱ق، ص ۱۶۰؛ شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۹) هرچند که مرد اجازه نگیرد و شهید اول در موضعی دیگر گفته «و ینظرها قائمه و ماشیه» یعنی مرد می تواند به زن در حال ایستاده و راه رفتن نگاه کند. هم چنان که در تصریح بعضی فقها، این گستردگی به محدوده جواز نظر نمایان است (کلانتری، ۱۳۸۳، ص ۲۹). با این همه، از دیدگاه مذهب امامیه و مذاهب اربعه، نگاه مرد خواستگار به زن جایز دانسته شده و گستردگی محدوده جواز نظر به معنای تنافی با محدوده جواز نگاه در دو باب حج و صلاه نیست؛ دلیل آن به مقصد تشریع هر یک از ابواب مزبور از حیث محدوده جواز نظر بر می گردد که در باب نکاح به جهت رفع غرر و ضرر و در ابواب دیگر به جهت دفع مفسده و عسر و حرج مربوط می شود. دلیل بر دفع عسر و حرج را می توان از سیاق کلام فقها مانند «و یجوز لها سدل القناع الی طرف انفها» و هم چنین «و تکشف وجهها الا مع خوف نظر الرجال الیهما بریبه» (شهید اول، ۱۴۱۱ق، ص ۵۹؛ مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۱۷) فهمید که دلالت بر جواز کشف صورت زن دارد؛ به جهت دفع عسر و حرج و زحمتی که در حالت انجام اعمال حج بر زن در صورت ستر صورت متحمل می شود. مگر اینکه احتمال مفسده و ربه در صورت مکشوف بودن صورت زن وجود داشته باشد که در این وجه، ستر صورت زن واجب است. بر این اساس، ملاحظه می گردد که در هر سه باب صلاه، حج و نکاح، مقدار زائد که مذاهب بر روی آن اختلاف دارند بنا به احکام و قواعد شرعی اضطراری قابل تشخیص بوده که در این صورت می توان ملاک ضابطه مندی را ارائه کرد.

نتیجه گیری

در خاتمه، چند نکته از مجموع مباحثی که ذکر شد، می توان بیان داشت:

۱- مذاهب اتفاق دارند هر ساتری که در حال نماز پوشیده شود، پوشیدن آن در غیر نماز جایز است؛ مثلاً فقها قائل هستند جایز است لباس محرم، همان لباسی باشد که مرد در نماز می پوشد ولی در بعضی وجوه، همانند لباس حریر، همان گونه که پوشیدن آن در حال نماز جایز نمی باشد در غیر حال نماز نیز جایز نیست.

۲- مقدار زائدی که پوشیدن آن در حال نماز واجب و در غیر نماز واجب نمی باشد، موضع اختلاف بوده که درباره مرد، زائد بر ناف تا زانو و درباره زن، علاوه بر پوشیدن وجه و کفین است.

۳- همه مذاهب اتفاق داشته که پوشیدن ازار و رداء برای محرم واجب است. مذاهب شافعی و حنبلی برخلاف نظر مذاهب، پوشیدن سر برای مرد را جایز می دانند که مستند به دلیلی نمی باشد. مذهب حنفی برخلاف قول مذاهب، پوشیدن قفازین را برای زن جایز دانسته که آن هم به دلیل عورت بودن بدن زن، قابل قبول نمی تواند باشد.

۴- مردی که قصد ازدواج با زنی را دارد به اتفاق مذهب شیعه و اهل سنت، می تواند به زن بنگرد. شهیدین هر دو قائل به جواز نظر خواستگار مرد به زن در حد وجه و کفین شده اند. با این تفاوت که شهید اول دامنه جواز نظر را از این حد نیز توسعه داده و به زمانی که زن ایستاده یا در حال راه رفتن باشد، نگاه انداختن را جایز دانسته است. شهید ثانی، متعلق اصلی استحباب نظر مرد و زن به یکدیگر را جهت رفع غرر و ضرر برای دو طرف مطرح کرده است که به نظر می رسد توسعه دادن محدوده جواز نظر از سوی شهید اول و فقهای دیگر امامیه، بنا به همین متعلق بوده و از این نظر، می توان گفت بین مورد اختصاص جواز در حد وجه و کفین و فراتر از آن تعارضی بین اقوال موجود نیست.

۵- به این وسیله معلوم می گردد که وجه اتفاق نظر میان مذهب امامیه با مذاهب اربعه اهل سنت را می توان در همان ستر مرد و زن در سه باب (صلاه، حج و نکاح) در حد کشف وجه و کفین و قدمین برای زن و ستر ما بین ناف تا زانو برای مرد بدون احتمال خوف مفسده و نظر و افتان ارزیابی کرد ولی وجه اختلاف در خصوص مقدار زائد را باید در سایه توجه به احکام و قواعد شرعی اضطراری چون تحریم پوشش صورت و نفی عسر و حرج و دفع مفسده و غرر و ضرر برای ناظر و منظور در هر یک از ابواب سه گانه (در حالتی که نظر هر یک از زن و مرد به طرف دیگر یا متقابل باشد و خوف مفسده و تحریک شهوت در میان باشد) در نظر گرفت.

منابع

- قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۶ق)، لسان العرب، المجلد ۱، بیروت، دار صادر (دار بیروت).

- اصفهانی، راغب (۱۲۸۸ق)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی.

- ابی الصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین عبدالله (۱۴۱۰ق)، الکافی فی الفقه (باب الصلاه)، گردآوری شده در سلسله الینابیع الفقهیه از علی اصغر مروارید، الطبعة الاولى، موسسه فقه الشیعه و الدار الإسلامیه.

- تبریزی، جواد (۱۴۲۶ق)، منهاج الصالحین، ج ۱، قم، نشر مدین، مرکز القائمیه باصفهان للتحریات الكمبيوتریه.
- حق شناس، سید جعفر (۱۳۸۶)، «حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۵۲ - ۸۸.
- علامه حلی، یوسف بن مطهر (۱۴۰۰ق)، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- حرعاملی (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت و بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۲ق)، استفتاءات حول الحجاب و النظر، ج ۱، مؤسسه المجتبی.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۷)، تحریر الوسیله، ج ۱، مترجم علی اسلامی و قاضی زاده، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- سید مرتضی علم الهدی، ابی القاسم علی بن الحسین الموسوی (۱۴۱۰ق)، جُمْل العلم و العمل (باب الصلاه)، گردآوری شده در سلسله الینابیع الفقهیّه از علی اصغر مروارید، الطبعة الاولى، مؤسسه فقه الشیعه و الدار الإسلامیه.
- _____ (۱۴۱۰ق)، المسائل الناصریات (باب الصلاه)، گردآوری شده در سلسله الینابیع الفقهیّه از مروارید، الطبعة الاولى، مؤسسه فقه الشیعه و الدار الإسلامیه.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۷)، احکام بانوان، قم، مؤسسه الإمام الصادق (ع)، گردآورنده: احمد فاضلی بیارجمندی.
- شریعت موسوی، مصطفی (۱۴۲۷ق)، الشّهاب فی مسأله الحجاب، چاپ اول، قم، انتشارات دارالتفسیر.
- شهید اول، اللمعه دمشقیه (۱۴۱۱ق)، الطبعة الاولى، قم، منشورات دارالفکر.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیّه فی شرح اللمعه دمشقیه (۱۳۸۷)، تحریر الروضه با اصلاحات علیرضا امینی و محمد رضا آیتی، ج ۲، تهران، سازمان سمت و قم، مؤسسه فرهنگی طه.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (۱۴۱۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی (باب الصلاه)، الطبعة الاولى، گردآوری شده در سلسله الینابیع الفقهیّه از علی اصغر مروارید، مؤسسه فقه الشیعه و الدار الإسلامیه.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ق)، العروه الوثقی، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
- طباطبایی حکیم، محسن، مستمسک العروه الوثقی (۱۴۱۶ق)، ج ۱۴، قم، مؤسسه دار التفسیر.
- غروی نایینی، نهله و عامری (۱۳۸۶)، «پوشی در معنا و مفهوم حجاب»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال نهم، شماره ۳۶، ۱۳۸۶، صص ۱۱۴ - ۱۳۷.
- فاضل مقداد، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۱، رقمی الناشر: مرکز القائمیه باصفهان للتحریات الكمبيوتریه، بی جا.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۷)، مبادی فقه و اصول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- فاضل، محمد هادی (۱۳۸۶)، «بررسی لزوم و حدود حجاب در فقه اهل تسنن»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۹ - ۴۸.

- کلانتری، علی اکبر (۱۳۸۳)، فقه و پوشش بانوان، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، مسأله حجاب، قم، انتشارات صدرا.
- معصومی، سید مسعود (۱۳۸۲)، احکام و روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه (۱۴۰۲ق)، بی نا، کانون الثاني (نیایر).
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، احکام النساء، چاپ اول، مطبعه مهر.
- مودودی، ابوالاعلی (۱۳۸۴ق)، الحجاب، الطبعه الثانيه، دمشق، دارالفکر.
- معین الإسلام، مریم (۱۳۹۰)، زینت و عفاف در حج، تهران، نشر مشعر.

The Study Comparing Of Setter And Concealer In Three Discuss Jurisprudence Of Salah, Hajj And Nekah.

Abstract:

One of the most important topics discussed in jurisprudence and in three separate areas (Salah, Hajj and Marriage) Discussed That is, the concept of the concealer and concealer is intended as being in prayer and otherwise. In prayer mode, religion Sunni Imams and Religious Religions Agree That Sater Weared in Prayer, Not Wearing Prayer It was permissible, but about the amount of excess that is not required to wear it and is not,obligatory They disagree. In the case of the hajj, all religions agree that wearing hijab is a must for Muharram but Shafi'i and Hanbali religions to permit the wearing of headgear for men and Hanafi religion to permit the wearing of headgear For women, they disagree In the case of marriage as well, the religions of the Imams and the Sunnis happen to be the same Matchmaking can look at a woman's worth. With the difference being the dispute over the amount of waste they cover It is an obligatory prayer in the case of the observer looking at the man (woman) but about the excess in Abu Dhabi. The pilgrimage and marriage which are not obligatory and look alright, seem to cover the face and Disappearance of harassment and harassment for the intended party (woman) and removal of grief for the supervisor (male).

Keywords: Setter and Concealer, Jurisprudence Comparing, Prayer and Non - Prayer Mode, Coincidence and Difference.